

دکتر علیم اشرف خان
دانشیار، بخش فارسی
دانشگاه دہلی، دہلی - ۱۱۰۰۰۷

تحولات نثر معاصر فارسی پس از تاسیس دارالفنون

”نثر سخنی است که از نظم شاعرانه بزرگی باشد، همین نثر، کهن ترین شکل ابلاغ اندیشه آدمی بوده و داد و ستد کلامی و اطلاع رسانی از ابتدائی پیدایش زبان، به نثر صورت می گرفته است - سخن منظوم، پس از نثر و اساساً بر پایه و در تمایز از آن موجودیت یافته است - خصلت روزمره نثر موجب سهولت و تقویت جنبه اطلاع رسانی آن شده و این خصلت را در تفاوت با نظم، حتی در نثر داستانی حفظ کرده است“ -

قبل ازین که بنده تحولات نثر معاصر فارسی را پس از تاسیس دارالفنون ارزیابی کند لازم به تذکر است که همه انواع نثر معاصر مثل داستان، داستان کوتاه، نمایشنامه و رمان در هر یکی از این نوع را جداگانه و تحولات را مشاهده و ارزیابی کرد و به هیچ وجه در پهنای این مقاله نمی گنجد - پس بنده سعی کرده است که تحولات نثر معاصر فارسی را از لحاظ سبک و قالب تغییر بدهد -

میرزا تقی خکان امیر کبیر در سال ۱۲۴۴ هجری در قسمت شمال مشرقی ارگ سلطنتی بنا نهاده بود و افرادی که در زمینه تاسیس این دارالفنون نقش مهمی را ایفا نموده

بودند، عبارتند از:

(۱) شهزاده خسرو میرزا (پسر فتح علی شاه)

(۲) میرزا مصطفی خان افشار و چندین نفر دیگر

«دبشن افتتاحیه مدرسه عالی بنام دارالفنون روز پیکشنبه پنجم ربیع الاول سال ۱۲۳۸ هجری قمری - ۱۸۵۱ میلادی برگزار شد و یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در مدرسه مبارک دارالفنون منتخب شده بودند، بتوسط میرزا محمد علی خان وزیر دُول خارجه، شرف اندوز خاکیبای مبارک شده بعد از آن به مدرسه مبارک آمده به میمنت شروع به تحصیل کردند»^۲

جای تأسف است که وقتی دارالفنون افتتاح شد، امیر کبیر در باغ شاهی فین کاشان آخرین ایام تبعید را می گذرانید و قریب دو هفته بعد از گشایش دارالفنون همانجا کشته شد و نتیجه کار خود را مشاهده نکرد.

تجکبی آرین پور در کتاب «صبا تا نما» دارالفنون را چنین بررسی کرده است:

«کار دارالفنون چنین موثر شد که توده وسیع مردم را با طرز زندگی اروپایی که تا آن زمان ایرانیان بولی از آن نبرده بودند، آشنا ساخت و به گروه انبوه جوانان فرصت داد که در راه اصلاحات قدم بردارند و طولی نکشید که یک قشر روشنفکر از اطبا و علمای ریاضی و طبیعی در تهران پیدا شدند و با ترجمه و تالیف کتب بر طبق روش علمی جدید و به بار آوردن شاگردان زیاد به آغاز شدن نهضتی در فرهنگ ایران کمک کردند، بطوری که میتوان گفت تجدد خواهی و مبارزه با خرافات و موهومات و نشر افکار آزادی خواهانه در عصر ناصری تا حدی از برکت تربیت و تعلیم همین طبقه از تحصیل کردگان دارالفنون بود و هم این

مؤسسه سودمند بود که عمال انقلاب مشروطیت و آن دسته از مأمورین دولتی را که رشته کارهای آینده ایران را به دست گرفتند، تربیت کرد؛^۳

اگر ما اوضاع جهانی را بررسی کنیم چندین اسباب و عواملی را که رُخ داده بودند، موجب شد که فکر و احساسات جهان را تغییر بدهد بطور مثال:

۱- واقعه ای که در زندان بیقائل (فرانسه) در سال ۱۷۸۹ میلادی رخ داده (یعنی انقلاب فرانسه) و آزادی خواهان در زندان را شکستند و صدای آزادی را در فضای فرانسه پخش نمودند.

۲- نشأة انشانیه انگلیس که یکسر تفکرات و اندیشه های جهان را تغییر نمود.

۳- حتی در قرن بیستم در سال ۱۹۰۵ میلادی انقلاب روسیه هم در سراسر جهان معرفی شد.

۴- انقلاب باشویک روسیه که در سال ۱۹۱۷م معنای تازه به دیدگاه ادبیات بخشیده و بعد از انقلاب باشویک روسیه ادبیات نبود بلکه ادبیات برای زندگی مطرح شده بود.

۵- جنگ جهانی هم تفکرات و اندیشه های جهانی را یک لخت تبدیل و ضیحات جدید به ادبیات جهانی داد.

ایران هم جزو جهان است و تحولات و تاثیرات مدرن در ایران هم بوجود آمده و قرن نوزدهم میلادی را در ایران یک قرن جدید دارای تحولات و تغییرات در ادبیات فارسی میتوان شمرد. طبق عقیده آقای پرفسور ولبر، پرفسور براون، پرفسور آربری، آقای سعید نفیسی، آقای مجتبی مینوی، آقای فتح الله مجتبی و آقای دکتر خانلری: "ایران در فنون

لطیفه هنرهای تجسمی و فرهنگ در قرن بیستم میلادی بیشتر پیشرفت کرده است" - دکتر
عبدالحسین زرین کوب عقیده داشت که بالعموم نثر نگاران و بالخصوص نثر نویسان جوان
برای کهنگی و فرسودگی ادبیات علی الاعلان آماده بغاوت بودند. پس ادبیات قرن بیستم
ایران دارای تحولات سیاسی، ادبی، اقتصادی و فرهنگی و جهانی است -

علل و عواملی که در تحولات نثر نقش مهمی را ایفا نموده بود، میتوان به طور مختصر آن را

چنین شرح داد:

- ۱- ارتباطات نزدیک بین ایران و اروپا -
- ۲- آوردن کارشناسان فنی در امور نظامی و مهندسی و ایجاد مدارس برای کارآموزی -
- ۳- فرستادن دانشجو و کارآموز به کشورهای اروپا بالخصوص فرانسه و انگلیس -
- ۴- تراجم کتب رمان و داستان و کتب علمی و نظامی بزبان فارسی -
- ۵- آگاهی ایرانیان به جهان و اوضاع جهانی بالخصوص -
- ۶- افتتاح دارالفنون و استادان خارجی که آنجا شروع به تدریس کردند -
- ۷- روزنامه نگاری در ایران -
- ۸- رواج صنعت چاپ در ایران و آشنائی مردم با آثار ادبی و افکار مختلف میسر ساخت -
- ۹- گروهی از مصلحین ایرانی شروع به نوشتن عقاید سیاسی و اجتماعی خود بزبان ساده -
- ۱۰- ورود ادبیات فارسی از دربار و مجامع اشرافی به میان عامه مردم -
- ۱۱- روشن نویسنده‌گی در نتیجه تحولات سریع و شگرف، آغاز نگارش ساده و بی پیرایه -
- ۱۲- راه یافتن افکار تازه در نثر معاصر از راه داستان و تئاتر و بحث های اجتماعی و اخلاقی و

سیاسی، بحث علمی و ادبی و تحقیقات ادبی و تاریخی و جز آن‌ها در زبان فارسی معمول گشت -

۱۳- لجه نویسندگان تدریجاً تغییر یافت و به لجه مخاطب نزدیک شد -

۱۴- ترکیبات تازه و لغات جدید که بعضی هم ساختگی و برخی اروپایی و پاره بی ترکی استانبولی در زبان فارسی راه یافت - ترکیبات و اصطلاحات تازه و خیالات جدید و فکر های نو معمول گشت -

۱۵- مشاهده تنوع و تجدید در کل نثر معاصر فارسی -

۱۶- زبان نثر ساده شد و از قیود لفظی رهایی یافت و استفاده از لجه مخاطب نویسنده را برای بسیاری از طبقات آسان ساخت و نثر را آماده قبول افکار گوناگون کرد و از این روی تحریر انواع کتب بزبان فارسی آسان شد -

۱۷- ترجمه رمانها و داستانهای اروپایی باعث شد که نوشتن حکایات کوچک و داستانهای بزرگ به تدریج در زبان فارسی معمول گردید -

۱۸- نقد ادبی فارسی از طریق ترجمه کتب اروپایی در ایران متداول شد -

۱۹- معرفی روایت روشنفکری در جامعه ایران -

۲۰- معرفی غرب زدگی نویسندگان -

۲۱- بازگشت ادبی

۲۲- رستاخیز ادبی

۲۳- تغییر قالب

۲۴- نثر عامیانه

۲۵- رویکرد مستقیم به واقعیت های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران -

۲۶- جدوجهد و تحولات روزمره در جامعه ایران -

۲۷- انقلاب مشروط

۲۸- دولت آئینی

۲۹- علیه استبداد فکر و مبارزه با استبداد -

۳۰- پی در پی دو جنگ جهانی

۳۱- عسکریت رضا و ساواکیت رضا -

باید عرض شود که همه عوامل و علل تحولات نثر معاصر فارسی معمولاً مثبت بوده علاوه ازین که یک تحوّل منفی هم در نثر فارسی راه یافت - مقالات سرسری که در روزنامه ها و ترجمه های نادرست و ناموزون که در جراید انتشار یافته بود، باعث شد که لغات اشتباهی، ترکیبات و اصطلاحات نامناسب، غلطهای دستوری و امثال آنها به وفور در نثر فارسی راه یافته بود -

علاوه از اسباب و عواملی که قبلاً ذکر شده چندین دیگر را هم در تحولات می شماریم:

۱- تحوّل در هیت و فرم (قالب)

۲- تحوّل معنی و مفاهیم

۳- تحوّل در تفکرات جامعه گرایی -

۴- تحوّل تجدّد گرایی در همه کار روزمره -

۵- تحوّل روشنفکری و غرب زدگی در معمولات روزمره -

۶- تحوّل نقد و بررسی -

۷- تحوّل ساده نویسی در نوشتن -

۸- تحوّل ادبیات و مقصد به معنای زندگی -

۹- تحوّل جنبش و حرکت -

۱۰- کشمکش در زندگی روزمره عامه مردم -

۱۱- استفاده از هیت و فرم و شکل‌های خارجی

۱۲- تحوّل واقع‌گرایی

۱۳- تحوّل سوررپالیستی

۱۴- تحوّل حرکت پس از جنگ جهانی دوم

۱۵- تحوّل در مبارزه ملی و ضد استبداد

۱۶- تحوّل در طنز مثل طنز واقعی جماله‌زاده -

۱۷- تحوّل در ونگرایی مثل صادق هدایت -

۱۸- تحوّل تاثیر پذیری از نویسندگان نامی مثل والتر اسکات، ویکتر هوگو، تالستای و

چخوف -

۱۹- تحوّل انتقاد از فرد به جای اجتماع و از رفتار فردی به جای مناسبات اجتماعی -

۲۰- تحوّل برونگرایی بعد از شهر پور ۱۳۳۰ بنا به سقوط استبداد بیست ساله و اکثر آبه‌رپالیسم

انتقادی رو آوردند -

۲۱- تحوّل "ذهن سیال" بعد از تکمیل ۳۰ سال پس از "بوف کور" صادق هدایت مانند

"شازده احتجاب" به قلم هوشنگ گلشیری -

۲۲- تحوّل "ضد قهرمان" در سلطه استبداد و سرکوب تا سال ۱۳۵۷ مثل داستانهای

صادق چوبک، جلال آل احمد، گلشیری و شهدادی -

لازم تبذیر است که اگر تحولات مذکور را مفضلاً ارزیابی کنیم و برای هر یک عنوان مثالها را برزینم متقاضی کتاب می شود و وقت مجال این را ندارد.

بهر حال "نثری که در ثلث آخر قرن سیزدهم هجری در ایران نشو و نما یافته بود. نثر پیامد آشنائی سفیران نمایندگان دولتی و دانشجویان ایرانی با ادبیات داستانی اروپا بود و به همراه آنان به قلمرو ادب فارسی آن دوره راه یافت. این نثر ساده و بی آرایه که در آغاز کم کم در نوشته های دولتی جای خود را باز کرد، نثر فنی و مصنوع قرنهای گذشته را منسوخ نموده و پس مدتی به اسلوب رائج نثر فارسی بدل گردید. نخستین اثر این نثر در نوشتار، این بود که آن را از طرز بیان مصنوع، فنی و با واسط دور کرد و زبان تعارف و سخن گفتن به القاب و کنیت و تفصیل های بی ارزش را مطرد نمود. رواج و پیشرفت این نثر نو و ساده که بتدریج زبان و ادب غیر درباری و غیر رسمی گردید. موجب شد که از بار اثرائتی نثر فارسی به شدت کاسته شود" - ۳

تحولات در جامعه ایرانی بالخصوص تجد دگرایی و غرب زدگی بعد از انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ میلادی رخ داد و خاورشناس معروف روسیه جناب آقای ایوانف چنین توضیح کرده است:

در باره تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ میلادی روس در انقلاب ۱۹۰۵ م - ۱۹۱۱ میلادی ایرانی، در مجله یادداشت های علمی، جلد ۱، ۱۹۳۹ میلادی یادآور شده است:

"از آغاز آزادی خواهی، تأمین حقوق زنان جزو آرزوهای تجد خواهان بوده و درین راستا اگر کسی واقعاً وجدی و ترویمی تر کار را ادامه داد و بعد از عهد مشروطیت موضوع حقوق زنان را پیش کشیده، دهمخداور و زنامه او "صور اسرافیل" بوده که در

مقالات "چرند و پرند" اشارتاً به مسله ازدواجهای اجباری، ظلم و استبداد پدر و مادر و شوهر، تعدد زوجات، خرافات و تعصبات زنانه را باطن طنز و طعن مورد بحث و انتقاد قرار داده بود.

بعداً خود خانمها مجلات زنانه را چاپ و منتشر کردن آغاز کردند و ازین قبیل میتوان نخستین نشریه را بنام "مجله دانش" نام برد که در سال ۱۳۲۸ هجری سرکار خانم دکتر حسین خان آن را در تهران بنیاد کرده بود.^۵

"نمایشنامه و ادب صحنه ای ایران یکی از وسائل منوثر انتقاد بوده که بیشتر کاستیهای فردی و اجتماعی سرزمین ایران با مخصوص فرسودگیها، بی عدالتیها و نارواییهای زمان را به عامه مردم انعکاس داده بوده همین سبب تحولات آن روزگار را در تماشای خانه مرکزی ایران می توان دید که بندگان با تجسم تمثیلی مشکلات و مسائل زندگی خود را مطرح می شدند و احساسات همبستگی برونی و درونی را در دسته جمعی تاثیر می پذیرفتند. همین سبب شد که ایرانیان مسائل دنیایی روزمره خود و پیرامون خود را تمثیل گونه در روی صحنه می دیدند که خیلی مورد پسند عموم مردم قرار گرفت."^۶

رشید یاسمی درباره تحولات نثر معاصر را چنین ذکر نموده است:

"یکی از طریق جهل به اسالیب کلام و غفلت از ممارست شاهکارهای ادبی قدیم، دیگر از راه عمده که با وجود اطلاع کامل از شیوه های سخن فارسی و انسی به گفتار فصیحی کهن باز نویسندگان قلم خود را معتمداً به سادگی عادت داده از هر قسم عبارتی که بوی تصنع بدهد دوری می گزینند."^۷

روزنامه هاشمیل نسیم شمال، کاوه، ایرانشهر، صور اسرافیل، قانون، ندای وطن و

اختر، چزند و پرند دهخدا، یکی بود و یکی نبود، جمالزاده، نامه‌های باز جهانگیر جلیلی، زمان، داستان، تاتر، رپورتاژ، نقد ادبی، سوانح، نمایشنامه و حتی تاریخ و تحقیق ادبیات فارسی کارهای پُر ابتکاری در قرن بیستم میلادی انجام گرفت. نشر دهخدا را رضا بر اهنی چنین ارزیابی نموده است:

”نشر دهخدا ایلی است بین قصه نویسی و روزنامه نویسی. نثری است روزنامه

ای که بجای آنکه یک روزنامه نگار بنویسد، یک ادب دان واقعی می نویسد، نثری است که عامیانه است. رون آنکه مُتَبَدَل باشد“ - ۸

جهانگیر جلیلی در اثر معروفش ”من هم گریه کردم“ (۱۳۱۱)، داستان دختری را باز

گو کرده است که باتکیه بر دلایل اجتماعی، نحوه‌ی فاحشه شدنش را بیان می کند.

محمد مسعود قمی (دهاتی)، (۱۲۸۴ - ۱۳۲۶) فارغ التحصیل بلوچیک و مدیر

روزنامه معروف ”مرد امروز“ به خاطر لحن صریح و افشاگرانه جان خود را باخت. آثار او

نمایاً نگر فساد اجتماعی، ادراک و اخلاقی مردم بویژه جوانان است. رمانهای او

”تفریحات شب (۱۳۱۱)“، ”تلاش معاش (۱۳۱۲)“، ”اشرف المخلوقات“

(۱۳۱۳) و غیره تحولات نثر فارسی را بطوری نشان داده است که جامعه درگیر و کوردی،

قمار بازی، می خواری، فاحشگی و بدبختی های ناشی از سیاست می باشد.

محمد علی سپانلو نظر دارد: ”طنز می تواند چشم اسفندار نو بسنده را پنهان دارد و خواننده

را از گره‌ی روانی صاحب اثر بی خبر باقی گذارد حتی فرم اثر را تغییر دهد تا مخاطب در محتوا

کمتر درنگ کند. نفیسی در مراحل اوج گیری صاحب منصبان پر آوازه‌ی سیاسی روز،

نام اصلی آنها را با ساز و کارهای لفظی و معانی دگرگون می کند مثلاً:

علی اکبر دیپلماسی بجای دکتر اقبال، عورتگر بجای صورتگر، بدپوز بجای خوش کیش و غیره آن که از شخصیت های واقعی کاراکتری های داستانی و پایه نحوی کاریکاتور ساخته شده است این سیاستمداران ناشایست "بهشت موعودشان فلان کشور خارجی است و به سوی سرزمین معبود سلوک می کنند" - ۹

روانشناس معروف فراید (Freud) عقیده دارد که نباید طنز را در جوامع ابتدائی سراغ گرفت - پس در جوامعی که موانع اخلاقی، قوانین و نظارت اجتماعی حاکم اند طنز به وجود می آید و همان موانع و مخرجهای اجتماعی و مذهبی را که قدرت های پنهان به وجود می آورند، تخریب می کند و بدین علت طنز دهمذاج جسم نیازی بود که در ایران احساس می شد - متخصصان داستان معاصر ایران معتقدند که دهمذاج با کنایات، امثال و طنز مردمی اش نشان داد که عمیقاً اجتماعی و واقع گرا است - زدبایی طنز او را در داستانهای جمالزاده، هدایت و دیگران می توان یافت، بنا به گفته رضا براهنی:

"طنز تلخ و درونی اش بر هدایت اثر گذاشت و طنز شیرین و بیرونی اش بر جمالزاده با جمالزاده نثر مشروطیت قدم در حریم قصه می گذارد و حکایتهای پیش از مشروطیت به سوی ابعاد چهارگانه قصه یعنی (۱) زمان (۲) مکان (۳) زبان و (۴) علیت، روی می آورند و کاریکاتورهای دهمذاجی خود را به کاراکترهای جمالزاده می دهند" - ۱۰

جمال میرصادقی عناصر و مشخصات داستان را در ۸ بند قید کرده است و بنا به

گفته او داستان باید صفات ذیل داشته باشد:

(۱) نماد [Symbol] (۲) تمثیل [Allegory] (۳) استعاره [Metaphor]

(۴) قیاس [Analogy] (۵) طنز [Satire] (۶) اغراق [Hyperbole]

(۷) اطناب [Perpharasis] و (۸) مجاز مرسل [Synecdoche]

علامه محمد قزوینی در نامه مورخ ۸ نوامبر ۱۹۲۵ میلادی به تقی زاده نوشته بود:

”راستی، آقای جمالزاده عجب فاضل مدققی با esprit اروپایی از آب در آمده

است. هیچ کس گمان نمی کرد که این جوان کم سن، با این کوچکی جثه، این قدر مملو و سرشار و

لبریز از هوش و دقت و روح نقاددی به طرز اروپایی باشد“ - ۱۱

استاد دانشگاه اتا ترک بنام آقای نهاد الپ تورک در پایان نامه دکترای خود

جمالزاده را بعنوان ”پیشوایان نهفت جدید و تحول عمیق در ادبیات معاصر ایران“ معرفی

نموده است و ”یکی بود و یکی نبود“ را یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی شمرده است

دلیلش اینست که جمالزاده عشق و علاقه به آزادی، تنفر از تعصب و صاحب دلی و اعتقادش

به لزوم مبارزه با فساد است -

در آخر میتوان نتیجه گیری کرد که نثر معاصر فارسی پس از تأسیس دارالفنون و

رخدادهای جهانی بیشتر تحولات را مشاهده نمود و از آغاز رنگ انتقادی به خود گرفت و آنجا

که پای توصیه و تجویز پیش می آمد، دیگر تو صینه زهد، مبارزه با نفس و وصف اخلاق و

مبارزه برای عدالت و آزادی را داشت و از مزیت دموکراسی سخن می راند. بنا به گفته

محمود عبادیان:

”نوشته های میرزا ملکم خان، سید جمال الدین اسدآبادی، آقاخان کرمانی

و بسیاری از دیگران منتقد چنین سرنوشتی داشت، بدین گونه نثر فارسی خصلت ابلاغ گری

یافت و طبیعی است که نثر ادبی را، اعم از وصفی و صحنه ای به شدت تحت تاثیر قرار داد - بر

این بنیاد دیری نپایید که نشر ادبی شکل غالب افاده واقعیّت شد و بدین وسیله ادبیات فارسی
بار دیگر گرد عقب ماندگیهای قرون را از خود زدود^{۱۲}۔

به طور صراحت میتوان ارزیابی کرد که نشری که بعد از تأسیس دارالفنون بنام
نثرنوشاخته شده است خصیصه راه فشاگری و انتقادی را بازگو کرده است۔ ادب و نشر سنتی
فارسی که بسا برای پوشیده داشتن زشیتها و زپور صنعتها بکار می رفت، اینک راز گشای نهفته
ها شد، سندیت یافت و مردم با استناد به جنبه اطلاعاتی و صراحت بیان آن به داوری
در باره دیگران، با خلصه دو تمر آن بر می خاستند۔

پانویسها:

- ۱ صص ۶۳ و ۶۲
- ۲ ص: ۳۱۷
- ۳ صص ۲۵۷-۲۵۹
- ۴ ص: ۱۹
- ۵ ص: ۲۳۳
- ۶ ادبیات نمائشی در ایران (دو جلد)
- ۷ ص: ۱۰۷
- ۸ ص: ۵۳۶

۹	ص: ۱۵۳
۱۰	ص: ۵۵۰
۱۱	ص ص: ۲۷۴-۲۷۵
۱۲	ص: ۲۱

کتابنامه:

- ۱- در آمدی بر ادبیات معاصر ایران، محمود عبدیان، نشر لمر- تیر ماه، ۱۳۷۱، تهران-
- ۲- مرآت البلدان، جلد سوم، اعتماد السلطنه -
- ۳- از صبا تا بنما، یحیی آریین پور، جلد اول، انتشارات زوآر، ۱۳۷۲، تهران-
- ۴- یادداشت‌های علمی، جلد اول، ایوانف، ۱۹۳۹ میلادی، تهران-
- ۵- ادبیات نمائشی در ایران، جمشید ملک پور، دو جلد، انتشارات طوس-
- ۶- ادبیات معاصر، رشید یاسمی، امیر کبیر، چاپ تهران، ۱۹۳۷ میلادی-
- ۷- قصه نویسی، رضا براهنی، نشر البرز، ۱۳۶۸، تهران-
- ۸- نویسندگان پیشرو ایران، محمد علی سپانلو، انتشارات نگاه، ۱۳۶۹، تهران-
- ۹- از بنما تا روزگار ما، یحیی آریین پور، جلد سوم، انتشارات زوآر، ۱۳۷۲، تهران-